

بررسی‌های دوران دیرینه‌سنگی در ایران



فیلیپ اسمیت

برگردان به پارسی دکتر عزت الله نگهبان

بررسی‌های دوران دیرینه‌سنگی در ایران

فیلیپ اسمیت

برگردان به پارسی
دکتر عزت‌الله نکهبان

پیشکش بہ آموزگار ہمہ می باستان شناسان ایران
دکتر عزت اللہ نگہبان

در سوگ استاد نگہبان

دریغ...

دریغ رفتی و خالیست جای سنگر تو
چه کس بود کہ شود جانشین برتر تو؟
غریب مُردی و دور از وطن نبود یکی
بگیرد از آن ہمہ شاگرد، دست لاغر تو
نگر وفای غریبہ بہ پایبندی یار
نبود ہمرہ و تیماردار غیر ہمسر تو
چہ رنج ہا کہ نبردی برای نظم گروہ
ز دست رنج تو خوردند تا شوند سرور تو
بہ پایمردی و سختی بنای موزہ نہادی
بہ مهر و موم ببستند تا شوند منکر تو
چو کوہ، راہ ببستی بہ رھزن مارلیک
کجا شد آن ہمہ اشیاء نقرہ و زر تو؟
چو کوفیان کہ ببستند آب روی حسین
خدا خدا! کہ شکستند میز و دفتر تو
بہ جای جای وطن رفتی از پی کاوش
دریغ کرد ہمین خاک مردہ پیکر تو
دروہ من بہ روان آشوی تو استاد
کہ پاک بودہ و هست ہمچو ذات و گوہر تو

اسماعیل یغمایی

زمستان ۱۳۸۷

اسمیت، فیلیپ ادوارد لیک	سرشناسه
Smith, Philip Edward Lake	
بررسی های دوران دیرینه سنگی در ایران، فیلیپ اسمیت، برگردان به پارسی:	عنوان و نام پدیدآور
دکتر عزت الله نگهبان، ویراستار: سمیرا ایمنی.	
تهران، کارنامک، ۱۴۰۲.	مشخصات نشر
۱۹۹ ص، مصور، نقشه.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۹۲-۵-۱	شابک
وضعیت فهرست نویسی فیپا	
Palaeolithic Archaeology in Iran	یادداشت
عنوان اصلی	
دیرینه سنگی -- ایران	موضوع
Paleolithic Period -- Iran	
نگهبان، عزت الله، ۱۳۰۴-۱۳۸۷، مترجم.	شناسه افزوده
Negahban, Ezat O., 1925-2009	
GN۷۷۲/۳۲	رده بندی کنگره
۹۳۵/۷	رده بندی دیویی
۹۲۶۳۴۱۶	شماره کتابشناسی ملی

بررسی های دوران دیرینه سنگی در ایران

فیلیپ اسمیت

برگردان به پارسی: دکتر عزت الله نگهبان

ویراستار: سمیرا ایمنی

طراحی جلد: مهتا هوشمند مظفری

صفحه آرا: مهشید ایمنی

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست، تابستان ۱۴۰۲، تهران

چاپ: صدف

قیمت: ۲۴۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۹۲-۵-۱



انگشت کارکن

تهران: صندوق پستی ۱۵۸۸۹۸۳۸۱۴ / تلفن ۰۲۱۸۸۳۰۴۳۸۸

تهران: خیابان مفتاح شمالی، چهارراه زهره، پلاک ۲۴

پیش‌نیش‌تار

دکتر عزت‌الله نگهبان به سال ۱۳۰۵ در اهواز به دنیا آمد. او دو ساله بود که پدرش عبدالامیر نگهبان به نمایندگی مجلس انتخاب شد و ناگزیر به تهران آمدند. هفت سال پس از این مهاجرت، پدرش را از دست داد. عزت‌الله در دبستان جمشیدجهم، دبیرستان فیروز بهرام و مدرسه‌ی فنی آلمانی به تحصیل پرداخت. کمی بعد به عنوان حسابدار به استخدام قراردادی راه‌آهن سراسری درآمد. هنگامی که در مدرسه‌ی آلمانی تحصیل می‌کرد، ساختمان موزه‌ی ایران‌باستان به پایان رسیده بود و آندره گدار و دیگران چیدمان اشیای موزه را آغاز کرده بودند.

او کنجکاوانه به این اشیاء می‌نگریست و این آغاز شیفتگی اوست به دانش باستان‌شناسی. از این‌رو در رشته‌ی باستان‌شناسی دانشگاه تهران ثبت‌نام کرد و در سال ۱۳۲۸ لیسانس خود را دریافت و در سال ۱۹۵۰ در موسسه‌ی شرق‌شناسی شیکاگو ثبت‌نام و در سال ۱۹۵۴ پس از به پایان رساندن رساله‌ی خود (سیر سفال نخودی رنگ در خوزستان)، زیر نظر پروفسور دونالد مک کون مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت نمود. هنگام تحصیل در دانشگاه شیکاگو، با میریام لوئیس میلر (دانشجوی رشته‌ی کتابداری) ازدواج و دارای ۴ پسر شد.

در سال ۱۳۳۴ دکتر نگهبان با همسرش به ایران بازگشت و به عنوان استادیار در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران استخدام و در سال ۱۳۴۱ به درجه‌ی استادی رسید. از سال ۱۳۳۶ بنیان‌گذار و سرپرست موسسه‌ی باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ رئیس گروه باستان‌شناسی، و تماماً از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ ریاست دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، از سال ۱۳۵۸ مدیر فنی سازمان باستان‌شناسی ایران، از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۴۴ راین فنی وزارت فرهنگ و از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ مدیریت موزه‌ی ایران باستان را عهده‌دار بود. «پدر باستان‌شناسی نوین ایران» نامی است برای خدمات فرهنگی ارزنده‌ی او.

نخستین کاوش نگهبان (۱۹۶۱) با همکاری تی کایلر یانگ جونیور در تپه‌ی مهران‌آباد (۲۵ کیلومتری جنوب تهران - جاده ساوه) بود. سپس در بررسی سرشاخه‌های رودخانه‌ی سفیدرود (منطقه‌ی رودبار)، تپه مارلیک و پيله قلعه شناسایی شدند. او با آگاهی از ارزش فرهنگی و باستانی دو محوطه‌ی مارلیک و پيله قلعه، با دشواری بسیار حکم کاوش آن‌ها

را از وزارت فرهنگ دریافت و با گروهی از باستان‌شناسان و دانشجویان به کاوش آن پرداخت. در آن هنگام قاچاقچیان پرنفوذ و وابسته به دستگاه، به آزار او پرداختند که پس از یک فصل طولانی، ناگزیر بازگشت. هرچند این کندوکاو نیمه‌کاره رها شد، اما با کاوش ۵۲ خاکسپرده‌ی شاهانه (از اواخر هزاره‌ی دوم تا نخستین دهه‌های هزاره‌ی نخست پیش از مسیح) به گنجینه‌ی بسیاری از شواهد اجتماعی و شیوه‌ی هنری جامعه‌ی عصر آهن I دست یافت.

در پی کشف تصادفی نیایشگاهی در مزرعه‌ی نیشکر هفت‌تپه‌ی خوزستان، از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ (در ۱۴ فصل) به کاوش آن‌جا پرداخت. دست‌آورد او از این کندوکاو، سازه‌های بنیادین نیایشگاه چون میان‌سرا، قربانگاه، آرامگاه شاهان، آرامگاه قربانیان و ارزنده‌تر از همه یک سنگ‌نبشته (گویای چگونگی مراسم) و بسیاری گل‌نبشته بود که در روشن نمودن تاریخ پرشکوه عیلام میانی بسیار راهگشا است.

او در نخستین فصل کاوش هفت‌تپه، دانشجویان جوان را برای کارآموزی برگزید که این شیوه در کاوش دشت قزوین نیز ادامه داشت. دکتر نگهبان در سال ۱۹۷۰، برای شناخت توالی زمانی نجد مرکزی ایران که ناشناخته مانده بود، کاوش دشت قزوین را در سه جای سگزآباد (عصر مفرغ پسین و عصر آهن)، گورستان (کالکولیتیک) و زاغه (نوسنگی) با همکاری یوسف مجیدزاده و صادق ملک‌شهمیرزادی پی گرفت.

جز آن‌چه نبشته آمد، او سرپرست چند بررسی چون، خراسان در امتداد مرز شوروی (۱۹۶۵)، دشت کلاردشت (۱۹۷۶-۱۹۷۵) و دامنه‌های رشته‌کوه البرز در حوضه‌ی مرکزی دریای کاسپی نیز بوده است.

در آغاز ناآرامی‌های سال ۱۳۵۷، که او هم‌چنان ریاست دانشکده‌ی ادبیات را عهده‌دار بود، هنگام پیاده‌شدن از ماشین با چندین ضربه‌ی چاقو به شدت مجروح، ناگزیر بازنشته، و پس از آن با همه‌ی دلبستگی‌اش به ایران، به آمریکا رفت. در آن‌جا به لطف رابرت اچ. دایسون در موزه‌ی دانشگاه پنسیلوانیا مشغول به کار شد و به تکمیل کتاب‌های کاوش‌های خود (مارلیک و هفت‌تپه) پرداخت.

شوریه‌خانه نگهبان در مرداد ۱۳۸۰ هنگام گذر از خیابانی در نزدیکی منزلش، با خودرویی برخورد و سرانجام در ۲ بهمن ۱۳۸۷ چشم از جهان فرو بست.

سياهه

پیش‌نشتار.....	۵
مقدمه.....	۹
دوران دیرینه‌سنگی - نظرات عمومی.....	۱۴
فعالیت‌های علمی تحقیقات و حفاری‌های مربوط به عصر حجر در ایران.....	۱۵
وضعیت طبیعی حال و گذشته.....	۱۸
دوران دیرینه‌سنگی عمیق.....	۲۵
دوران دیرینه‌سنگی متوسط.....	۲۹
دوران دیرینه‌سنگی مرتفع و روی (بعد از) دیرینه‌سنگی.....	۳۶
ایران در دنیای دیرینه‌سنگی.....	۴۶
نتیجه‌گیری.....	۵۳

مقدمه

این کتاب به منظور شرح و تشخیص وضعیت و چگونگی دیرینه‌سنگی در ایران به رشته‌ی تحریر درآمده است. به علت محدودیت موجود در مدارک مربوط بدین دوران، شاید انجام این وظیفه تا اندازه‌ای آسان به نظر می‌رسد، ولی این محدودیت باعث گردیده که قسمت‌های تاریک و مبهم زیادی که در طول دوران دیرینه‌سنگی هنوز به چشم می‌خورد و در نتیجه پیچیدگی و ابهام خاصی در وضعیت ایران در این دوران پیش از تاریخ موجود می‌باشد.

با وجودی که مدارک و اطلاعاتی درباره‌ی این دوران از نقاط مختلف ایران به دست آمده، ولی به صورت عمومی و کلی وضعیت این دوران در ایران، به روشنی مناطقی مانند اروپا یا منطقه‌ی لوانت (سواحل شرقی دریای مدیترانه) در غرب قاره‌ی آسیا و یا بعضی از قسمت‌های آفریقا و یا حتی شبه قاره‌ی هند نمی‌باشد. چون به نظر نمی‌رسد در آینده‌ای چندان نزدیک، تغییراتی در حجم اطلاعات و مدارک موجود در بررسی این دوران حاصل گردد. افسوس بر این فقدان معلومات، نتیجه‌ای نداشته و منطقی‌تر است به شرح بررسی همین مدارک محدود ناقص پرداخته و بر روی نکات مبهم دوران تاریک و نارسایی‌های موجود، تاکید نماییم. با توجه به نکات فوق در این سطور، به تفسیر و تعبیر مدارک موجود از نظر تحول انسانی در این منطقه و ارتباط و مقایسه‌ی آن با مدارک مربوط به دوران دیرینه‌سنگی که در دیگر نواحی به دست آمده است، مبادرت نموده و نظرات و پیشنهاداتی تا هنگامی که مجدداً فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران شروع گردد، عرضه می‌نماییم.

عموماً نظرات و فرضیات نسبت به چگونگی وضعیت دوران دیرینه‌سنگی ناپایدار و بی دوام می‌باشند و کشفیات جدید همواره تغییراتی در آن‌ها به وجود می‌آورند. ولی در شش سال گذشته در ایران، فعالیت‌هایی در این زمینه انجام نگردیده، این فرضیه‌ها را ثابت و بدون تغییر گذارده و معلوم نیست تا چه مدتی نیز در آینده به همین منوال باقی بمانند.

جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که بررسی و تحقیق درباره‌ی وضعیت و چگونگی دوران قدیم و دیرینه‌سنگی در ایران، به تنهایی بدون در نظر گرفتن وضعیت مناطق همجوار امکان‌پذیر نمی‌باشد. این موضوع در دوران دیرینه‌سنگی که بشر زندگانی خود را از طریق شکار و جمع‌آوری آذوقه تامین می‌نمود، حتی بیش از دوران‌های تاریخی ضروری بوده و مصداق پیدا می‌کند.

مدارک به‌دست آمده از بقایای چندین میلیون سال گذشته، در ارتباط با دوران دیرینه‌سنگی، حاکی از آن است که عموماً خصوصیات نحوه‌ی زندگانی در هر اجتماعی به مناطق مجاور و حتی دورتر سرایت نموده، از حدود آن اجتماع به خارج گسترش نموده و به تدریج به تمام مناطق جهان راه یافته است. بنابراین جای تعجب نیست؛ اگر منطقه‌ی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در این مدار ارتباطی مواردی را کسب نموده و یا بالعکس به خارج انتشار داده باشد. با وجودی که وضعیت جغرافیایی ایران، این منطقه را تا اندازه‌ای در دوران دیرینه‌سنگی بسته‌تر و محدودتر در مقام مقایسه با بعضی نواحی دیگر جهان قرار داده، ولی این سدهای طبیعی و زمینی به هیچ‌وجه در هیچ دورانی کاملاً جلوگیری از روابط اجتماعات انسانی ننموده‌اند. در این کتاب سعی خواهد گردید که دوران دیرینه‌سنگی در ایران در رابطه با مناطق همجوار آن در قاره‌ی آسیا و به‌خصوص با مناطق همسایه و نزدیک و مجاور، مورد بررسی قرار گیرد.

باستان‌شناسان همواره مفید دانسته‌اند که خصوصیات هر تمدنی را کاملاً مشخص نمایند. درست است که هر منطقه‌ای در طول زمان تحت تاثیر وضعیت جغرافیایی مخصوص به خود، به تدریج در بافت خاصی، خصوصیات منطقه‌ای پیدا می‌کند و این نکته‌ای است که باستان‌شناسان و مورخین در گذشته آن را شخصیت منطقه‌ای نامیده‌اند. ولی به نظر می‌رسد که در این راه تا اندازه‌ای در گذشته افراط گردیده و بیش از حد واقعی، این خصوصیات منطقه‌ای را از یک‌دیگر مستقل و مجزا دانسته و به یک محل خاص داده‌اند.

به هر حال به نظر می‌رسد که ایران به علت وضعیت جغرافیایی خود، نقش خاصی را در دوران دیرینه‌سنگی از نظر ارتباط قاره‌ی اروپا و آسیا ایفا نموده و در ضمن به علت خصوصیات اقلیمی و منطقه‌ای، بافت خاصی را در اجتماعات خود نیز به وجود آورده است.

نیاز به تذکر است که در این کتاب به علت محدودیت مدارک و اطلاعات مربوط به دوران حجر در ایران، نظریه و بافت خاص و منحصری برای منطقه‌ی ایران پیشنهاد نگردیده که منحصر به طرز زندگانی ساکنین این دوران در این منطقه باشد، بلکه به بررسی مدارک موجود در هر ناحیه مبادرت نموده و امکان چنین نظرات و یا فرضیه‌هایی را به کشفیات جدید در آینده و جمع‌آوری مدارک بیش‌تری موکول می‌نماییم.

کمبود و نقصان اطلاعات ما راجع به باستان‌شناسی دوران دیرینه‌سنگی در ایران، مربوط به چند عامل است که به شرح بعضی از آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از عوامل مهم در این قسمت، تعداد انگشت‌شمار حفاری‌ها و بررسی‌های علمی مربوط به این دوران در ایران می‌باشد. علاوه بر این حتی گزارش این حفاری‌های محدود نیز، تاکنون به‌طور کامل انتشار نیافته و فقط گزارش‌های مقدماتی درباره‌ی آن‌ها منتشر گردیده است. با وجودی که وضعیت طبقات و دوران‌های باستانی دیرینه‌سنگی در مناطق دیگر جهان مانند لوانت^۱ (منطقه‌ی سواحل شرقی دریای مدیترانه) نیز کاملاً روشن و مشخص نیست، ولی از این لحاظ ایران در وضعیت مبهم‌تر و تاریک‌تری قرار دارد. از نوزده نمونه آزمایش تاریخ‌گذاری به وسیله‌ی کربن ۱۴ که در ایران انجام گردیده و تاریخ آن‌ها معلوم می‌باشد، فقط بعضی می‌تواند مورد قبول بوده و به هر حال همگی قدمتی مربوط به حدود پنجاه‌هزار سال گذشته و یا بعد از آن را معرفی می‌نمایند. بنابراین چندان اطلاعات کافی مربوط به دوران‌های قدیم‌تر عصر حجر در ایران و یا نمونه‌ی آزمایش‌های علمی دیگری مانند پتاسیم آرگون^۲ و با ترمولومینسنس^۳ و یا جهت قطب مغناطیسی^۴ و یا اورانیوم توریم^۵ که در نقاط دیگر جهان با موفقیت برای تاریخ‌گذاری دوران‌های دیرینه‌سنگی به کار رفته، هنوز در ایران مورد استفاده قرار نگرفته است.

وقایع مربوط به دوران پلیستوسین و دوران‌های زمین‌شناسی که در حدود دو میلیون سال پیش شروع گردیده، در ایران به علت عدم اطلاعات کافی، هنوز مبهم و تاریک می‌باشد. آثار و شواهد زمین‌شناسی مربوط به وقایع اقلیمی، مانند دوران‌های یخبندان و

1. Levant

2. Potassium Argon

3. Thermoluminescence

4. Magnetic polarity chronology

5. Uranium Thorium

بارانی و نوسان‌های آن‌ها، بسیار محدود بوده و به‌همین علت بسیار مشکل است که بتوان نسبت به طول و مدت دوران هر یک از فرهنگ‌ها و یا تمدن‌های دیرینه‌سنگی در ایران به دقت اظهار نظر نموده و یا راجع به تحولات و دگرگونی‌های آن‌ها به‌طور صریح پیشنهاداتی نمود.

علاوه بر این همین محدودیت مدارک در زمینه‌ی وضع اقلیمی و منطقه‌ای دوران دیرینه‌سنگی مشاهده می‌گردد و در مقام مقایسه با سایر مناطق مانند اروپا، لوانت و یا آمریکای شمالی که در این مورد بررسی‌ها و تحقیقات بیش‌تری انجام گردیده، فلات ایران در محدودیت بیش‌تری قرار گرفته است. اگرچه بررسی‌های جالبی به‌خصوص در زمینه‌ی گرده‌شناسی باستانی^۱ با نتایج مفیدی در منطقه انجام گردیده، ولی چون تعداد آن‌ها بسیار کم و محدود می‌باشد، هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بتوانیم تاثیر اجتماعات انسانی دوران حجر را در تغییر بافت طبیعی محیط، حتی در نواحی جبال زاگرس که بیش‌تر این بررسی‌ها انجام گردیده، ارزشیابی نماییم.

نتیجه‌ی این عدم توانایی ارزشیابی به‌حدی است که نمی‌توان تغییرات و تفاوت‌های موجود بین دوران پلیستوسین و محیط فعلی را بررسی نمود. ولی به هر حال می‌توان تصور نمود که یقیناً تفاوت‌های کلی در وضع طبیعی و ظاهری ایران وجود داشته است و احتمالاً این تفاوت‌های بین منطقه‌ای در آن دوران، بیش از عصر حاضر موجود بوده‌اند. بنابراین می‌توان تصور نمود که تفاوت‌های کلی دریافت و منابع تهیه‌ی احتیاجات زندگانی در دوران حجر نیز وجود داشته است. به‌نظر می‌رسد اجتماعات انسانی که در آن دوران در نواحی کرمان و یابلوچستان می‌زیسته‌اند، احتمالاً دارای نحوه و بافت زندگانی شبیه به آنچه امروز بومیان صحراهای استرالیا دارند، داشته و اجتماعاتی که در مناطق زاگرس بوده‌اند، شبیه به اجتماعات بومی شکارچیانی هستند که در نواحی غربی آمریکای شمالی مایحتاج زندگانی خود را از طریق شکار و جمع‌آوری آذوقه تامین می‌نمایند و یا اجتماعات باستانی که در کرانه‌های جنوبی بحر خزر می‌زیسته‌اند.

به‌طور کلی طرز زندگانی دیگری که بتواند آن‌ها را آماده برای بهره‌برداری از منابع غذایی دریایی علاوه بر منابع زمینی بنماید، داشته‌اند. متأسفانه فقدان مدارک مستند علمی

و بررسی‌ها و تحقیقات بعدی است که اجازه نمی‌دهد در این موارد پای فراتر از حد تصور و گمان گذارده و اظهارات و نظریه‌های قطعی در حال حاضر پیشنهاد نمود. در حقیقت می‌توان در این جا به سهولت بدین نکته اشاره نمود که چون در حال حاضر در نواحی ایران و حتی منطقه‌ی آسیای غربی، نمونه‌ی اجتماعی که از طریق شکار و جمع‌آوری آذوقه می‌زیسته، باقی نمانده و به کلی از بین رفته‌اند، امکان این گونه ارزشیابی‌ها برای باستان‌شناسان دوران حجر در این منطقه، تقریباً میسر نمی‌باشد. در منطقه‌ی ایران (برخلاف مناطقی مانند آفریقا، آسیای جنوبی، سیبری و دنیای جدید)، به نظر می‌رسد این گونه اجتماعات شکارچی و جمع‌آوری کننده‌ی آذوقه در حدود اواخر دوران پیش از تاریخ از بین رفته و امروز چگونگی زندگانی آن‌ها را فقط می‌توان از طریق مدارک به دست آمده در حفاری‌های باستان‌شناسی که در عین حال بسیار محدود می‌باشند، مورد بررسی و تحقیق قرار داد.

در خاتمه، نیاز به تذکر است که اطلاعات مربوط به وضع جسمانی افراد انسانی که مسئول اصلی چگونگی بافت این گونه فرهنگ‌های دوران حجر می‌باشند، بسیار محدود بوده و همان‌طور که در صفحات بعد شرح داده خواهد شد، فقط مقدار بسیار کمی آثار مربوط به اسکلت انسان‌های دوران حجر، تاکنون در مناطق مختلف ایران به دست آمده است. بنابراین پیشنهاد نظرات و فرضیه‌هایی درباره‌ی چگونگی هویت جسمی، تداوم زیستی و یا چگونگی زندگانی آن‌ها، موکول به بررسی‌ها و تحقیقات بیش‌تری در آینده خواهد بود. نتایج بررسی فسیل و سنگ‌واره‌هایی که در ایران جمع‌آوری گردید و به وسیله‌ی پرفسور سندرالاند^۱ در سال ۱۹۶۸ میلادی عرضه گردیده، تقریباً بدون تغییرات کلی امروز نیز معتبر بوده و فقط بعضی سئوالاتی در مورد نظرات ایشان موجود می‌باشد.

دوران دیرینه‌سنگی

نظرات عمومی

پیش از آن‌که به شرح دوران دیرینه‌سنگی^۱ در ایران بپردازیم، بهتر است راجع به چگونگی و تقسیمات این دوران به‌طور عمومی اشاره‌ای بنماییم. واژه و کلمه‌ی پالئولیتیک در قرن نوزدهم میلادی، برای اصطلاح عصر حجر قدیم یا دیرینه‌سنگی مورد استفاده قرار گرفت. در این دوران ادوات سنگی به‌طریق ابتدایی، خشن و بدون صیقل ساخته می‌شد و مانند آنچه در دوره‌های بعد یعنی در دوران حجر جدید یا نوسنگی^۲ تولید می‌گردید، نمی‌باشند. در قاره‌ی اروپا بعداً یک دوران تحولی برای تغییر از دوران قدیم به جدید، به‌نام حجر متوسط یا میان‌سنگی^۳ پیشنهاد گردید و به‌کار گرفته شد. بعدها این نظریه‌ی دوران میان‌سنگی در خاورمیانه‌ی نزدیک نیز به‌کار بسته شد. بعضی از باستان‌شناسان پیش از تاریخ ترجیح می‌دهند اصطلاح دوران روی دیرینه‌سنگی، اپی‌پالئولیتیک^۴ را برای دوران بعد از دیرینه‌سنگی که مقارن با شانزده‌هزار سال پیش و یا کمی قدیم‌تر است و احتمالاً به دوران اولیه‌ی کشاورزی منجر می‌گردد، به‌کار برند.

به‌زودی ضرورت تقسیمات بیش‌تری برای دوران دیرینه‌سنگی در بررسی‌ها و تحقیقات باستان‌شناسی محسوس گردید و در اروپا و آسیای غربی، این دوران طویل را به سه دوره تقسیم نمودند؛ اول دیرینه‌سنگی عمیق که از ابتدای استفاده‌ی ادوات سنگی در حدود اواخر (?) دوران پلستوسین عمیق تا حدود یکصد هزار سال (۱۰۰۰۰۰) پیش را شامل بوده و به نوع ادوات خشن و ساده‌ی سنگی به‌خصوص تبرهای دستی سنگی^۵ مشخص می‌گردد. دوم دوران دیرینه‌سنگی متوسط که از حدود یکصد هزار سال پیش شروع و تا حدود چهل هزار (۴۰۰۰۰) سال پیش را شامل بوده و به نوع ادوات سنگی کوچک‌تر و ظریف‌تری با انواع مختلف مشخص گردیده است. وسوم دوران دیرینه‌سنگی مرتفع و روی دیرینه‌سنگی^۶ (یا بالای دیرینه‌سنگی) که تا حدود ده‌هزار (۱۰۰۰۰) سال پیش در

1. Palaeolithic

2. Neolithic

3. Mesolithic

4. Epipalaeolithic

5. Stone hand axe

6. Epipalaeolithic

خاور نزدیک ادامه داشته و به نوع ادوات سنگی تیغه‌ها^۱ با اندازه‌های مختلف که غالباً بسیار ظریف و کوچک و هم‌چنین در بعضی مناطق ادواتی ساخته شده از استخوان و یا شاخ حیوانات و یا عاج با تنوع زیاد و تفاوت‌های منطقه‌ای بیش‌تری مشخص گردیده است. بسیار مشکل است که به طور دقیق تداوم نوع ادوات را از دورانی به دوران دیگر به‌طور یکنواخت و یکسان و هم‌زمان برای مناطق مختلف به‌طور عموم مشخص نمود.

این تقسیم‌بندی به‌طور کلی برای مناطق ایران و یا سایر نواحی خاور نزدیک و هم‌چنین آسیای مرکزی، و در سال‌های اخیر برای مناطق هند و پاکستان نیز اعمال گردیده است و با وجود نواقصی که دارد، به هر حال برای تحقیقات علمی از نظر مقایسه و رابطه‌ی این فرهنگ‌ها با یک‌دیگر مورد استفاده می‌باشد.

فعالیت‌های علمی تحقیقات و حفاری‌های مربوط به عصر حجر در ایران

تحقیقات و بررسی‌های علمی مربوط به دوران دیرینه‌سنگی در ایران مانند کشورهای ترکیه، عراق و افغانستان خیلی دیرتر از مناطق سوریه و فلسطین در خاور نزدیک انجام گردید. علت این امر را شاید بتوان در بُعد مسافت ایران از اروپا و با انحصار فعالیت‌های باستان‌شناسی به وسیله‌ی فرانسویان از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ میلادی در ایران جست‌وجو نمود.^۲

در اواخر قرن نوزدهم، پروفیسور ژاک دمورگان رئیس هیات حفاری فرانسوی، گزارش وجود ادوات سنگی را که در لایه‌ی پلستوسین قرار داشتند، در حوزه‌ی بحر خزر انتشار داد، ولی اظهار داشت که بقیه‌ی ایران در این دوران به وسیله‌ی یخچال‌ها و دریاچه‌ها، پوشیده بوده است.^۳ در دهه‌ی ۱۹۳۰ آثار سطحی مربوط به دوران دیرینه‌سنگی در فارس در نزدیک شهر شیراز به‌دست آمد.^۴

اولین حفاری مربوط به دوران دیرینه‌سنگی در سال ۱۹۴۹ میلادی، به وسیله‌ی پروفیسور کوون انجام گردید.^۵ این استاد آمریکایی در ابتدا در غار شکارچیان بیستون و سپس در

1. Microlithic

2. Negaldan, 1981-82

۳. مورگان، ۱۹۰۷

۴. فیله، ۱۹۳۹: ۵۳-۵۵

۵. کون، ۱۹۵۱

غار تمتمه در نزدیک دریاچه‌ی رضاییه و پس از آن در غار خونیک در جنوب خراسان در نزدیکی مرز افغانستان حفاری نمود. در همان سال نیز در بقایای دوران میان‌سنگی در غار کمر بند نزدیک بهشهر و در سال ۱۹۵۱ در غار هوتو در نزدیک غار کمر بند حفاری نمود. به‌زودی آشکار گردید که ایران نیز دارای آثار و بقایای مربوط به دوران دیرینه‌سنگی متوسط و میان‌سنگی بوده و شاید بر اثر تصادف پروفیسور کوون به آثار مربوط به دیرینه‌سنگی مرتفع که بعدها در ایران آشکار گردید (و به‌عنوان فرهنگ بارادوستیان^۱ مشخص گردیده) دستیابی پیدا ننموده. او گزارش دقیق کار خود را در کتاب هفت غار^۲ در سال ۱۹۵۷ به چاپ رسانید.

از آن سال به بعد، فعالیت‌های مربوط به باستان‌شناسی عصر حجر به‌وسیله‌ی باستان‌شناسان خارجی از کشورهای کانادا، دانمارک، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آمریکا در ایران انجام گردیده است. گروه پروفیسور بریدوود در چند غار مربوط به دوران دیرینه‌سنگی متوسط و مرتفع در کرمانشاه (نام فعلی باختران) در سال ۱۹۶۰ - ۱۹۵۹،^۳ پروفیسور هول و فلاتری در پنج محل در نزدیک خرم‌آباد در لرستان^۴ در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۶۵ و پروفیسور سپت^۵ این کار را در ۱۹۶۹ ادامه داد. نویسنده (پروفیسور اسمیت) ترانشه‌ی کوچکی در غار خار در بیستون در سال ۱۹۶۵، غاری که قبلاً به‌وسیله‌ی پروفیسور کرون دیده شده ولی حفاری نشده بود،^۶ حفاری نمود. پروفیسور مک‌بورنی در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۸ در غار کی‌آرام مازنداران، بقایای دوران دیرینه‌سنگی متوسط در ۱۹۶۳ و بقایای میان‌سنگی در علی‌تپه نزدیک بهشهر حوزه‌ی بحر خزر در سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۴ و سپس در سال ۱۹۶۹ بقایای دوران دیرینه‌سنگی متوسط غاری در لرستان را بررسی و تحقیقات نمود. در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ پروفیسور هیوم، در مناطق بلوچستان به بررسی آثار سطحی در چند محل مربوط به دوران دیرینه‌سنگی^۷ پرداخت و سپس پروفیسور مروچک در این

1. Baradoſtian culture

2. Coon, 1957

3. Braidwood. 1960

4. Hole and Flannery, 1967

5. Speth, 1971

6. Young and Smith, 1966

7. Hume, 1976

منطقه در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ کار را ادامه داد.^۱ پروفیسور پیرنو،^۲ آثار سطحی تپه‌ای که در سال ۱۹۶۹ به‌وسیله‌ی پروفیسور زامتر گزارش شده بود، بررسی نموده و در سال ۱۹۷۴ راجع به تیغه‌های سنگ چخماق مربوط به دوران دیرینه‌سنگی مرتفع در یک پناهگاه سنگی در نزدیک شیراز، گزارش کرده است.

سال ۱۹۷۶ پروفیسور رایت در آثار و بقایای عصر حجر چندین محوطه در شمال خوزستان^۳ را بررسی نمود. در شمال غربی ایران خانم پروفیسور هندکوریس آثار و اداوات سنگی دوران دیرینه‌سنگی از لایه‌ی پلستوسین زمین‌شناسی در آذربایجان شرقی^۴ و هم‌چنین پروفیسور آریایی و پروفیسور تیبال^۵ در خراسان بررسی‌هایی نموده و آثاری که احتمالاً مربوط به قدیم‌ترین مدارک زندگانی انسان در ایران می‌باشد، به‌دست آوردند. هم‌چنین آثار مربوط به عصر حجر در چند ناحیه از لرستان به‌وسیله‌ی پروفیسور مورتسن^۶ و بررسی دیگری به‌وسیله‌ی نویسنده و پروفیسور مورتسن در سال ۱۹۷۷ میلادی، در نزدیکی هرسین کرمانشاهان انجام شد و یک کارگاه بزرگ تولیدات اداوات سنگی مربوط به دوران حجر، در قسمتی از دشت کشف گردید. هم‌چنین بررسی‌های دیگری مربوط به این دوران، در مناطق شمال غربی ایران و به‌خصوص آذربایجان به‌وسیله‌ی پروفیسور سولکی^۷ و هم‌چنین به‌وسیله‌ی پروفیسور سینگر و ویمیر^۸ انجام گردیده است.

1. Maruchek, 1976

2. Piperno, 1972

3. Wright, H.T., 1979

برای برگردان پارسی این گزارش نگاه کنید به کتاب؛ اسماعیل یغمایی، چهارده‌هزار سال تمدن برای همیشه زیر آب رفت، برگردان پارسی و همکاری: سمیرا ایمنی، تهران: کارنامک، ۱۴۰۲.

4. Sadek-Kooros, 1974

5. Ariai and Thibault, 1975-77

6. Mortensen, 1974a: 1974b, 1975

7. Solecki, 1969

8. Singer and Wymer, 1978

وضعیت طبیعی حال و گذشته

آنچه مسلم است، بشر اولیه که زندگانی خود را به شکار و جمع‌آوری مایحتاج خود از منابع طبیعی تأمین می‌نموده، ارتباط بسیار نزدیکی با طبیعت همجوار خود داشته و آثار باقی‌مانده‌ی مربوط بدین دوران، از این منابع طبیعی به‌دست آمده و آشنایی به وضعیت طبیعی آن دوران، بهترین راهنمای آشنایی با این اجتماعات که مدارک محدودی از آن‌ها باقی‌مانده است، می‌باشد.

وسعت ایران در حال حاضر در حدود ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و در این منطقه انواع و اشکال مختلف طبیعت، لایه‌های زمین و منابع طبیعی، رشته جبال‌های مرتفع و دشت‌های هموار، کویر و مناطق ساحلی دریاها وجود دارد. به گفته‌ی یکی از استادان گیاه‌شناسی، کم‌تر ممالکی در منطقه‌ی اروپا و آسیا هستند که در قسمت‌های شمال مناطق معتدل و حتی سردسیر و در قسمت‌های جنوب مناطق آب و هوای استوایی داشته باشند و تمام این انواع مختلف آب و هواها، فقط در فاصله‌ی یازده درجه‌ی عرض جغرافیایی در کشور ایران قرار گرفته‌اند.^۱

به‌طور خلاصه ایران دارای رشته جبال‌هایی است که مناطق مرتفع بین ۲۰۰ تا ۱۲۰۰ متر از^۲ سطح دریا به‌صورت دشت‌ها در مابین آن‌ها به‌وجود آمده و از بعضی آن‌ها که راه به خارج دارند، رودخانه‌هایی به‌طرف دریای خزر یا خلیج فارس جریان دارد و در نتیجه دارای آب و هوای مختلف حاشیه‌ی کویری و با باران‌های موسمی در قسمت جنوب می‌باشد.^۳ به جز منطقه‌ی سواحل دریای خزر، بقیه‌ی ایران به‌طور کلی دارای آب و هوای خنک می‌باشد و مقدار نسبتاً کم و محدودی در بین ماه‌های مهر تا اردیبهشت بارندگی در فلات ایران وجود دارد و این وضعیت احتمالاً در دوران‌های پیش از تاریخ نیز وجود داشته است. این منطقه از نظر آتش‌فشان و زلزله، همیشه فعال بوده و بافت و منظر طبیعی فعلی آن در اثر این عوامل باضافه اثرات آب و باد به‌وجود آمده است.

با وجودی که منطقه‌ی ایران ممکن است به مناطق مختلف جغرافیایی و طبیعی تقسیم‌بندی گردد، ولی در این کتاب به پنج منطقه به شرح ذیل طبقه‌بندی گردیده است (تصویر ۱).

1. Zohary, 1963

2. Bobek, 1968

3. Bobek, 1968

۱. منطقه‌ی رشته جبال زاگرس که در نواحی غربی ایران از حدود آذربایجان تا خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز در حدود ۱۶۰۰ کیلومتر ادامه دارد. این رشته جبال که در ابتدا در اثر فشارها و عوامل ارضی مولود از بحرا حمر به وجود آمده، امروزه از لایه‌های موازی سنگ آهکی که بعضی از آن‌ها حدود ۴۰۰۰ متر ارتفاع دارند، تشکیل می‌گردد. در بین این ارتفاعات، دره‌هایی قرار گرفته که در آن‌ها بستر رودخانه‌هایی مانند؛ خابور، سمیره، کرخه، کارون، دز، زاب بزرگ و زاب کوچک و دیاله در ایران و عراق جاری هستند. وضع اقلیم و آب و هوا در این منطقه، شدیدتر از منطقه‌ی مدیترانه‌ای، به خصوص در ایام زمستان می‌باشد. در این منطقه امروز همان‌گونه که احتمالاً در دوران پلستوسین نیز مشابه آن وجود داشته، آب و هوای مختلف مشاهده می‌گردد. دامنه‌ی غربی رشته جبال زاگرس بیش از دامنه‌ی شرقی که سردتر است بارندگی دارد. ریزش برف در این ناحیه سنگین بوده و براساس اختلاف چگونگی آب و هوا و ارتفاع در دره‌های مختلف، نباتات و گیاهانی مانند؛ بلوط، پسته، بادام، گندم و جو وحشی روئیده و حیواناتی مانند؛ بزکوهی، گوسفند، خرس، آهو و غزال هنوز زندگانی می‌نمایند. این منطقه امروزه در حدود یک سوم منطقه‌ی جغرافیایی ایران را فرا می‌گیرد و پر جمعیت‌ترین مناطق ایران است. آثا مربوط به عصر حجر نیز، بیش‌تر در این منطقه‌ی زاگرس به دست آمده‌اند.
۲. دشت خوزستان که به صورت دشت رسوبی و از فرسایش ارتفاعات مشرف بدان به وجود آمده، امروز به صورت کاملاً هموار مشاهده می‌گردد. این دشت از دامنه‌های جبال زاگرس تا کرانه‌های شمال خلیج فارس ادامه دارد و به وسیله‌ی پنج رودخانه‌ی بزرگ کرخه، کارون، دز، جراحی و زهره مشروب می‌گردد. بعضی نواحی این دشت، باتلاقی ولی بیش‌تر آن به صورت استپ‌های نیمه خشک می‌باشد. زمستان ملایم‌تر از منطقه‌ی زاگرس و تابستان گرم‌تر از آن می‌باشد. نباتات و گیاهان استپ، بیابان، چراگاه‌ها و مراتع غنی در فصل زمستان وجود دارند. حیواناتی مانند غزال، گاو، آهو و گراز وحشی به نظر می‌رسد مانند امروز در دوران‌های پیش از تاریخ نیز وجود داشته و بز در دامنه‌ی کوه‌ها مشاهده می‌گردد. ماهی، پرندگان دریایی و لاک‌پشت در رودخانه‌ها و باتلاق‌ها زندگانی می‌نمایند.

۳. ارتفاعات شمالی رشته جبال البرز که در جنوب بحر خزر قرار گرفته و در حدود ۹۶۰ کیلومتر، به صورت قوس هلالی از آستارا در مغرب تا جاجرم در مشرق ادامه دارد، شامل بلندترین کوه آتش فشان ایران، قله‌ی دماوند نزدیک تهران می‌باشد. امروزه یخچال‌های کوچکی هنوز در آن باقی‌مانده، ولی در دوران پلیستوسین این منطقه، بیش از رشته جبال زاگرس یخبندان بوده است. به علت ارتفاع زیاد، رطوبت حاصله از بحر خزر در دامنه‌های شمالی سد گردیده و بارندگی در این قسمت زیاد می‌باشد و چند رودخانه مانند سفیدرود به دریای خزر جریان دارند. برودت هوا در زمستان بیش از منطقه‌ی زاگرس می‌باشد. در نواحی کم ارتفاع، هوا ملایم بوده و حد متوسط باران در این نواحی، در حدود دوهزار میلی‌متر در سال می‌باشد. نباتات و گیاهان جنگلی مختلف مانند؛ زبان گنجشگ، زیزفون یا نم‌دار، نارون، گردو، افرا، آتش و ممرز در این منطقه می‌روید، علاوه بر بز، گوسفند، حیوانات مشخص دیگری در این منطقه مانند خوک دریایی بحر خزر و ببر وجود دارند که احتمالاً نسل ببر از بین رفته است.

۴. ناحیه‌ی سیستان و ارتفاعات شرقی ایران که از خراسان تا بلوچستان ادامه دارد و شامل نواحی مکران و سواحل شمالی دریای عمان نیز می‌گردد. این ناحیه شامل کوه‌ها و دشت‌هایی که بعضی در حدود ۹۰۰ متر ارتفاع دارند، بوده و دریاچه‌ها و باتلاق‌هایی از رودخانه‌هایی مانند هیرمند مشروب می‌گردند، می‌باشد. آب و هوای این منطقه متغیر بوده و تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد دارد. نباتات امروزی شامل جنگل‌های بلوط، عرعر، پسته و بادام می‌باشد. حیوانات امروزی شامل؛ بز، قوچ وحشی، گراز، غزال و خر وحشی بوده که احتمالاً در دوران دیرینه‌سنگی نیز وجود داشته‌اند. البته حیوانات دوران پلیستوسین به خصوص در بلوچستان کم‌تر شناخته شده‌اند.

۵. فلات مرکزی و یا کویر مرکزی که نیمی از وسعت ایران در حدود ۷۸۰۰۰۰ کیلومتر را فرا گرفته است.^۱ این کویر بزرگ، به وسیله‌ی رشته جبال‌هایی در اطراف محصور گردیده است، مجرای به خارج و دریا ندارد و شامل دو کویر بزرگ یکی

دشت کویر در شمال و دشت لوت در جنوب می‌باشد. در این دو کویر دریاچه‌های آب شور و نمک و هم‌چنین رشته جبال‌هایی وجود دارد. بارندگی در این مناطق بسیار کم و کم‌تر از ۱۰۰ میلی‌متر در سال می‌باشد. آب و هوای تابستان بسیار گرم و زمستان بسیار سرد می‌باشد. نوع نباتات صحرایی استپ مشاهده می‌گردد و حیواناتی مانند غزال و خر وحشی (گورخر) در این منطقه وجود دارند.

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، آب و هوای ایران (به جز منطقه‌ی حوزه‌ی بحر خزر) دارای تابستان خشک و گرم و زمستان سرد و مرطوب می‌باشد و مقدار بارندگی بیش‌تر در شمال و شمال‌غرب و بسیار کم‌تر و حتی هیچ، در سایر نواحی مملکت وجود دارد. باد مداوم در فلات، تاثیر درجه‌ی برودت و یا حرارت را شدیدتر می‌نماید. رشته جبال‌هایی که در اطراف فلات قرار دارند، از ورود رطوبت دریای مدیترانه، بحر خزر، خلیج فارس و یا باران‌های موسمی شبه قاره‌ی هند و پاکستان به داخل فلات جلوگیری می‌نمایند. در زمستان هوای سردسیری سیبری در تمام منطقه، هوای مدیترانه‌ای در شمال غربی (ناحیه‌ی زاگرس و البرز) و آب و هوای صحرایی در منطقه‌ی فلات تاثیر گذارده و روی هم رفته آب و هوای متغیری در قسمت‌های مختلف ایران به وجود می‌آورند.^۱ بنابراین تغییرات هوا در فصول و قسمت‌های مختلف، اهالی ایران در تابستان به مناطق سردتر و مرتفع و در زمستان به مناطق گرم‌تر مسافرت می‌نمایند. ولی هنوز مدارکی موجود نیست که آیا اجتماعات دوران عصر حجر نیز بدین کار مبادرت می‌ورزیده‌اند. جای تردید نیست که از نظر بافت آب و هوا، وضع مشابهی در دوران پلستوسین نیز وجود داشته است.^۲

سواحل بحر عمان، احتمالاً در دوران یخبندان به نظر می‌رسد بیش‌تر در منطقه‌ی دریا پیشرفتگی داشته و این سواحل که امروز در زیر آب قرار گرفته‌اند، ممکن است محل زندگانی اجتماعات عصر حجر بوده باشد، ولی تحقیقات و بررسی‌هایی در این مناطق انجام نگردیده است. احتمالاً بررسی‌ها و تحقیقات باستان‌شناسی در این نواحی منجر به کشف آثار و مدارکی از این دوران خواهد بود.^۳ ناحیه‌ی مکران نیز احتمالاً محل مناسبی

1. Fisher, 1968

2. Zohary, 1963

3. Field, 1956

برای این گونه تحقیقات می‌تواند باشد.^۱

وضعیت دوران پلستوسین در مناطق مرتفع شمال ایران، هنوز کاملاً مشخص نیست. مسلماً یخچال‌های بیش‌تری در دوران سرد وجود داشته است. وجود زندگانی انسان در ارتفاعات البرز، بدان گونه که در مناطق زاگرس مشخص گردیده، هنوز مسلم نیست. تاکنون شواهدی از زندگانی انسان در دوران دیرینه‌سنگی از منطقه‌ی جبال البرز به‌دست نیامده، ولی تصور نمی‌رود چنین منطقه‌ی مناسبی با شکارگاه‌های فراوان حداقل در فصول گرم‌تر، بدون استفاده مانده باشد.

حوزه‌ی بحر خزر، همان گونه که امروز کاملاً منحصر به خود می‌باشد، در گذشته نیز همین وضعیت را داشته است. سطح آب دریا که امروز در حدود ۲۸ متر از سطح دریاهای آزاد پایین‌تر است، در گذشته نوسان‌هایی داشته و گاهی بالاتر (در حدود ۱۶ متر) و گاهی پایین‌تر (در حدود ۳۰۴۰ متر) از سطح دریای آزاد بوده است. سطح بحر خزر به‌علت تبخیر متفاوت و وصول حجم متفاوت آب رودخانه‌ها، در دوران پلستوسین نیز متغییر بوده است. کرانه‌های مرتفع‌تری تا حدود ۹۰ متر بالاتر از کرانه‌های امروزی، به‌وسیله‌ی دانشمندان در اطراف این دریا مشخص گردیده است. به‌نظر می‌رسد سطح بحر خزر در دوران یخبندان بالاتر از سطح کنونی بوده است (تصویر ۲).^۲ در دوران‌های گرم، سطح دریا به مقدار قابل ملاحظه‌ای نقصان حاصل نموده است. در دوران هلو سین،^۳ سطح دریا چندین بار به بالاتر و یا پایین‌تر تغییر نموده، ولی به‌ر حال احتمالاً هیچ‌گاه به ارتفاع قبلی آن نرسیده است.^۴ وضع نوسان‌ها و تغییرات سطح بحر خزر، تاکنون در دوران‌های مختلف کاملاً مشخص نگردیده و از این نظر برای تحقیقات دوران‌های باستانی مشکلاتی به‌وجود می‌آورد. آنچه مسلم است، محل اجتماعات مربوط به دوران متوسط و مرتفع پلستوسین که آن وقت در نزدیک کرانه‌های فعلی دریا قرار گرفته بودند، امروز یا در زیر آب قرار گرفته‌اند و یا در زیر طبقات زمین واقع شده‌اند. به‌نظر می‌رسد مناطق جنگلی وسعت بیش‌تری داشته است.^۵ کاهش درجه حرارت، برف بیش‌تری در دوران یخبندان در حوزه‌ی بحر خزر به‌وجود آورده

1. Hume, 1976

2. Dolukhanov, 1977

3. Holocene

4. Gerasimov, 1978

5. van Zeist and Bottema, 1977

است.^۱ با رسیدن دوران‌های گرم‌تر، سطح دریا پایین‌تر رفته و غارهایی که در دامنه‌های البرز قرار داشتند و قبلاً در زیر سطح آب پنهان بودند، از زیر آب درآمده و برای سکونت اجتماعات انسانی مورد استفاده قرار گرفتند. و بالاخره بافت و شبکه‌ی نباتات و حیوانات امروزی نیز به تدریج به وجود آمد.

با وجودی که به نظر می‌رسد حیواناتی که غذای این اجتماعات را تامین می‌نمودند، احتمالاً همین انواع امروزی حیوانات بوده باشند، ولی نسبت به نوع حیوانات دوران‌های قدیم‌تر نمی‌توان اظهار نظر نمود. آنچه مسلم است این‌که حیوانات سردسیری و قطبی مانند گوزن شمالی، ماموت پشم‌دار و یا حیوانات استوایی در این منطقه وجود نداشته‌اند. حیواناتی که به منظور تامین منابع غذایی بوده‌اند شامل؛ گاو، گوسفند، بز، خوک، خر وحشی، آهو، غزال، حلزون و صدف و در اواخر دوران پلیستوسین اوایل دوران هلو سین، علاوه بر آن ماهی‌ها و پرندگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در اواخر دوران پلیستوسین خوک آبی در سواحل بحر خزر شکار و مورد استفاده قرار می‌گرفته است. حیوانات وحشی گوشت‌خوار مانند خرس، گرگ و روباه شکار و از پوست آن‌ها برای لباس استفاده نموده‌اند. اطلاعات ما درباره‌ی نباتات و میوه‌ی درختان در دوران پلیستوسین در این ناحیه از نظر منابع غذایی و اجتماعات اجتماعی، بسیار محدود و ناقص می‌باشد. شرح نباتات امروزی ایران به وسیله‌ی پروفیسور ظهیری^۲ ممکن است تصویر مشابهی نسبت به نباتات باستانی در اختیار ما بگذارد.

شاید بتوان اظهار داشت که در وضع فعلی، یک‌سوم وسعت ایران برای شکار و جمع‌آوری آذوقه مساعد بوده^۳ و بقیه نامساعد می‌باشد و در گذشته نیز شاید همین منطقه با نوسان‌هایی در دوران‌های مختلف مورد استفاده‌ی اجتماعات باستانی بوده است. تخمین تعداد جمعیت دوران باستانی در ایران امکان‌پذیر نیست. مسلماً این تعداد نیز در ادوار مختلف متفاوت بوده و به تدریج از دوران دیرینه‌سنگی به نوسنگی رو به افزایش رفته است. به نظر می‌رسد، در ابتدا این اجتماعات انسانی از یک‌دیگر متفرق بوده، ولی به تدریج در اواخر دوران پلیستوسین، کمی قبل از دوران تولید محصولات غذایی و کشاورزی، به

1. Krinsley, 1970

2. Zohary, 1963

3. Hanners, 1969:94

گروه‌های بزرگ‌تری تبدیل گردیدند. به نظر می‌رسد در دوره‌هایی که آب و هوا مساعد نبوده، جمعیت رو به نقصان رفته و مناطقی مانند رشته جبال زاگرس که برای زندگی مساعدتر بوده، دارای جمعیت بیش‌تری بوده‌اند. در این‌جا ضروری به نظر می‌رسد به تقسیمات دوران پلستوسین نیز اشاره‌ای گردد.

دانشمندان زمین‌شناسی، این دوران را به سه و بعضی چهار دوره‌ی اصلی تقسیم می‌نمایند (تصویر ۳). پلستوسین عمیق که از زمانی در حدود دو میلیون سال پیش شروع و بدون تردید ادوات سنگی به وسیله‌ی اجتماعات انسانی در قاره‌ی آفریقا ساخته شده و حتی شواهدی راجع به پیش از این زمان نیز موجود می‌باشد. این اجتماعات به تدریج از نظر فرهنگ و جسم تکامل یافته و به قاره‌ی اروپا و آسیا نیز توسعه یافت. دوران پلستوسین میانه در حدود هفتصد هزار سال پیش شروع گردید و دورانی کوتاه‌تر از دوران قبلی بود و فعالیت‌های یخبندان و هم‌چنین تغییراتی در وضع حیوانات در آن مشاهده می‌گردد. هم‌چنین تغییراتی در نوع ادوات سنگی در آن به وقوع پیوست و تبرهای دستی سنگی در این دوران آشکار گردید. دوران پلستوسین مرتفع در حدود ۱۲۵۰۰۰ سال پیش شروع گردیده و در این دوران تحولاتی در وضع انسان و حیوانات مشاهده می‌گردد. انسان‌های نوع نئاندرتال جایگزین نوع قبلی هومو ارکتوس گردیدند و به تدریج نوع انسان هوموساپین (که احتمالاً در حدود یکصد هزار سال پیش در آفریقا ظاهر شده بود) جایگزین انسان‌های نئاندرتال در دوران پلستوسین مرتفع گردید. با وجودی که این تقسیمات سه‌گانه دوران پلستوسین به‌طور کلی از نظر لایه‌های زمین‌شناسی و دوران اقلیمی بوده، ولی به هر حال تقسیم‌بندی مفیدی برای دانشمندان باستان‌شناس دوران پیش از تاریخ، برای طبقه‌بندی فرهنگ‌ها بوده و مورد استفاده قرار گرفته است. جای بسی تاسف است که مدارک مستندی مربوط به این دوران طویل به‌علت محدودیت تحقیقات و بررسی‌های باستان‌شناسی هنوز به‌طور کامل در حال حاضر در ایران وجود ندارد. فقط دوران پلستوسین مرتفع در ایران تا اندازه‌ای مشخص و روشن گردیده و آخرین قسمت‌های آن در دوره‌ی سردتر که هم‌زمان با دوره‌ی یخبندان و ورم^۱ که دوران قبل آن تقریباً در حدود هشتاد تا یکصد هزار سال پیش به پایان رسیده بود، به‌طور جزئی مشخص گردیده است. البته شواهدی وجود دارد که بتوان تصور نمود منطقه در این هنگام، مورد سکونت اجتماعات انسانی بوده است.